

با اجازه مافوقترین نیروی قدرت و عظمت یک محیط سعادت درخشنده وحدت نوین جهانی

رهنمون حشمت الله دولتشاهی
کتاب گلهای راهنمایی جلد دوم

سخن گفتن

به روشن بینی و فکر توانا
به تدبیر و خرد با چشم بینا
ز خاموشی خصالی به نباشد
کند صحبت به موقع مرد دانا
نمی گویم دهان مگشا به گفتار
نکو گو وقت حاجت هست رعنا
که باشد هر مقامی را کلامی
چو ناطق را روش باشد به اسنا
به هنگام سخن لغزش نشاید
که خاطر را ملال آرد در اثنا
وقار و صبر و گفتن با متانت
کمال عقل انسانی است مانا
طریق حشمت است این درس تنزیل
چنین آمد بیان بر پیر و برنا

وسیله سخنگوئی

خداوند متعال وسائلی به انسان عطا فرموده تا احساسات درون خود را به دیگران بیان دارد. این وسیله دهان و زبان است که از راه حس گویائی و دستگاه مخصوصی که در مغز و کالبد انسان قرار داده شده به وسیله هوائی که از حنجره عبور می کند و به وسیله حرکات لازم در زبان و در لبها و دهان اصوات بیرون می آید و آن را سخت گفتن می نامند.

دست به چه کار می آید؟

دست برای کار کردن به انسان داده شده، وقتی بخواهیم باری را از زمین بلند کنیم، باید عضلات دست را آماده ساخت، بار را گرفت و آن را به ارتفاع لازم از سطح زمین برداشت. آیا دیده اید عاقلی پیدا شود که بدون احتیاج به برداشتن بار یا انجام یک کار، بیهوده دست خود را تکان دهد و بالا و پائین بیاورد و جنبشی که برای انجام یک عمل لازم است به طور هرزه و بیهوده به بازوی خود بدهد؟

عاقل دست را بیهوده حرکت نمی دهد

البته می گوئید چنین کاری را در فرد عاقل ندیده ام و انتظار نداریم. درست است اما همین افراد که ادعای عقل و خرد می کنند و از تکان دادن بیهوده و بی مصرف دست خود ابا دارند دستگاہی را که برای سخن گفتن به آنها اعطا گردیده بیهوده و نابجا مصرف می نمایند.

صرفه جوئی

با رعایت کردن امساک در کلام که بیان خواهد گردید انرژی و نیروی مغز و حافظه که صرف سخن گفتن می گردد صرفه جوئی می شود زیرا بیهوده مصرف نشده و زائد نگفته. آیا این امر برای بشر بهترین درس نیست؟ آیا هیچ دیده شده که آدم عاقلی اتومبیل نویی را بنزین و روغن کند و بیهوده از این طرف به آن طرف بدون هیچ مقصد و هدفی آن را راه ببرد و نیرویش را مصرف نماید و ماشین را مستهلک کند؟ کمتر کسی هست که چنین عملی انجام دهد زیرا ضرر مادی آن را بالعیان می بیند اما بسیاری اشخاصی که انرژی مغز و کالبد خود را که از راه زبان مصرف می شود بیهوده به کار انداخته ساعتها کلام بیهوده و بی فایده و بی نتیجه و بی مقصد می گویند. آیا انرژی عزیز و با ارزش و قدرتمند مغز و کالبد از یک ماشین و چند لیتر بنزین کمتر ارزش دارد؟

کم سخن گفتن علامت رشد است

این نکته را باید بدانید که بشر هنگامی به پایگاه رشد می رسد که در سخن گفتن صرفه جو و در رفتار بردبار و صبور باشد، کم بگوید و بسیار بردباری کند. برای مردمان عاقل و فهیم بسیار سخن گفتن صلاح نیست و بایستی بیشتر شنید. هنگامی که کسی با شما سخن می گوید مطلب او را به دقت بشنوید و بسنجید. آنگاه به طور مختصر و مفید جواب گوئید زیرا در بسیار سخن گفتن ممکن است اشتباهی رخ دهد و مایه گمراهی و آزار طرف گردد.

زبان را به لقلقه بیهوده عادت ندهید

آری زبان و دستگاہ سخنگویی برای آن اعطا شده که آنرا برای منظوری درست، هدفی صحیح و بجا بکار اندازند اما بیشتر مردم را عادت بر این امر ناپسند بلکه زیان بخش جاری شده که سخن خود را در راههای نامناسب، غیر لازم، هزل، بیهوده و نابجا بکاراندازند. نه تنها سودی از این عمل آنها متصور نیست بلکه زیان آن مسلم است و کوچکترین زیان آن مصرف انرژی و قدرت بدنی در راه هرز و بیهوده است. مثل آبی است که آن را هرز در بیابان رها کنند و هدر بدهند و مثل پولی است که در طریق باطل و غیر لازم مصرف گردد در حالی که انرژی بدنی هم از پول و هم از آن آب مهمتر است. زیرا هر چیز خوب در عالم هست توسط انرژی بدنی بشر قابل حصول است. هم پول و هم آب بوسیله کوشش انسان پیدا و قابل استفاده می شود.

سخن بیهوده نابجا است

پس روشن گردید که بیهوده سخن گفتن بسیار نابجا است و اگر انسان بخواهد این روش را اختیار کند خاموشی از آن خیلی بهتر است و در این مورد باید گفت که بهتر از خاموشی صفتی وجود ندارد. مرد دانا آن است که خاموشی اختیار کند و به موقع برای کار لازم سخن بگوید نه اینکه انرژی بدنی خود را در صحبت به طور هرز در بیابان محیط بفرستد.

روش سخن گفتن

البته مقصود آن نیست که کسی صحبت نکند بلکه فقط باید صحبتی کرد که نکو و پاکیزه باشد و سخنی نیکو شمرده می شود که به موقع باشد یعنی به آن حاجت افتد. مرد روشن بین و عاقل و یک فرد که با اخلاق وحدت مجهز است، روشن بین است یعنی می داند که مقام کلام کجا است و هر سخن را چه مقامی است و چه موقع باید سخن گفت و چه موقع باید خاموشی گزید. او می داند که هر وقتی اقتضای چه سخنی دارد. روشن بینی، ناطق را در مورد نحوه کلام یا سکوت رهبری می کند و بهترین بیان را برای بهترین موقع بر می گزیند.

سنجش کلام با تفکر

او کلام خود را با فکر توانا می سنجد و قبل از این که بر لب آورد، درست درباره آن فکر می کند و آن را سبک و سنگین می سازد و کلیه روشهای تدبیر و خرد را در باره آن اجرا می کند و وقتی کلام را بر زبان جاری می سازد که از کلیه بوته های آزمایش عقل و تدبیر بیرون آمده باشد. آنگاه با بصیرت سخن می گوید یعنی خوب می نگرد که این کلام مثل تیری که به هدف معینی زده شود برای چه هدفی در نظر گرفته شده. او تیر را به طور هرز با چشم بسته و کورکورانه رها نمی سازد بلکه برای آن هدف در نظر می گیرد.

دقت در سخن

این نکته را باید همیشه به خاطر بسپرید، مبادا صحبتی کنید که از آن گزند روحی یا جسمی به کسی وارد شود. در حقیقت روزه و امساک در کلام بهمین مقصود است. هر کس صحبت زائد بیشتر کند بیشتر در معرض لطمه خوردن از این راه است. چون اشخاص بی شکیب و بی رویه در جامعه هستند و سخن دهان به دهان منتقل می شود بسیاری از سخنها که بدون قصد از دهان خارج می شود و ظاهراً به نظر گوینده فایده یا ضرری ندارد در اثر دهان به دهان گشتن ایجاد ضرر می کند و جلو خیرها را سد می نماید.

مثلاً شما برای کسی کاری انجام داده اید و از کمک چند نفر در این راه استفاده کرده اید. چه لزومی دارد این مطلب را به این و آن بگوئید. ممکن است آنهایی که از روی نیت خیر با شما کمک کرده اند از شایع شدن این مطلب ضرر ببینند و یا اشخاص در اثر این شهرت به ایشان هجوم کنند و نتوانند تقاضایشان را برآورند و باعث خجالت و ناراحتی و زیان آنها گردد. آن وقت شما در مقابل عمل خیری که آنها در حقان کرده اند پاداش نامناسب داده اید. آیا درست است؟

خودداری از لغزش

از دیگر قواعد کلام خودداری از لغزش است و این کار با توجه و دقت و تفکر و تمرین های شایسته انجام می شود و هر کسی باید در سخن گفتن تمرین کند و بر اجتماعات صحیح و مکاتب تربیتی است که اشخاص را در سخن گفتن عادت دهند و به تمرین و ورزش وادارند. لغزش در کلام باعث ملال خاطر و تخفیف و کوچک کردن گوینده خواهد شد.

اشتباه قابل برگشت نیست

بارها اتفاق افتاده که شخصی از روی عدم تفکر و غفلت و نسنجیدن و دقت نکردن کلامی بر زبان آورده که باعث زحمت و گرفتاریهای غیر منتظره برای خود او گردیده یا اینکه باعث رنجش و ملالت مخاطبان او اعم از نزدیکان

مثل زن و فرزند و خویشان یا بیگانگان شده است. کلامی که از دهان خارج گردید برگشت آن امکان ندارد و هر چند که گذشت زمان یا معذرت خواهی و رفع و رجوع کردن تا حدی می تواند شدت ملال را تخفیف دهد اما آثار آن را به طور کلی نمی زداید. معروف است که می گویند کلام تا از دهان بیرون نیامده بنده تو است و چون بیرون آمد تو بنده اوئی زیرا بسا اتفاق افتاده که زبان سرخ سر سبز را بر باد داده است. پس چه بهتر که بیاموزیم و تمرین و ورزش کنیم و بسنجیم و دقت و تفکر روا داریم که اصولاً کلام زشت و نامناسبی از دهان ما خارج نگردد که ناچار به معذرت و ترمیم آن باشیم.

متانت و صبر

در هنگام سخن گفتن اتخاذ وقار و متانت کامل و صبر و خودداری از عجله و شتاب نشانه کمال عقل و خرد سخنگو است. این است موجزی از آداب بیان و سخن گفتن که طی شعر و نثر برای آموزش پیر و برنا و مرد و زن بیان داشتیم و این است روشی از وحدت برای آموزش فن کلام و سخنگویی امید است مورد استفاده همگان قرار گیرد.

یک نصیحت از وحدت

آنانکه روش خود را مبارزه با سایر ادیان و بدگویی و تخطئه و تخریب مذاهب دیگر قرار داده اند ناچار مقداری از وقت و نیروی گرانبهایشان در این راه مصرف می شود و چیزی که ما به ازاء این عمل دریافت می دارند جز مستی کلام درشت و سخن ناروا از قبیل همان سخنانی که خود گفته اند نیست و این مبارزه متقابل همچنان ادامه می یابد و به طور تصاعدی وسعت می گیرد. در حالی که اگر انسان روش وحدت و مسالمت و محبت را پیش گیرد در مقابل جز محبت و کلام پاکیزه نخواهد شنید. خداوند یار و یاور کسانی است که روش وحدت و اصول پاکیزه آن را اختیار می کنند.